

صدور حکم رشد

همه اشخاص می‌توانند دارای حق باشند ولی ممکن است توانایی اجرای حق را نداشته باشند که به این افراد محجور می‌گویند.

حجر در اصطلاح حقوقی عبارت است از منع شخص از تصرف در اموال و حقوق مالی خود و انجام دادن اعمال حقوقی مانند عقد اعم از نکاح، بیع... و به همین دلیل این گونه افراد به حمایت‌های قانون‌گذار نیاز دارند.

همه انسان‌ها در مرحله‌ای از دوران زندگی خود (دوره کودکی و صغر) از اجرای حقوق و تصرف در اموال خود ممنوع‌اند و ناگزیر دوره‌ای از حجر را به طور قهری باید بگذرانند، حتی ممکن است صغیر بعد از رسیدن به سن بلوغ، به علت اینکه رشد کافی برای اداره امور خود ندارد، محجور باشد. به علاوه برخی از افراد از کودکی مبتلا به اختلال قوای فکری هستند و این حالت بعد از رسیدن به سن بلوغ ادامه می‌یابد و نیز ممکن است شخص پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد، به جنون یا سفاهت مبتلا گردد. این اشخاص محجور شناخته شده‌اند و قانون‌گذار برای اداره امور و حمایت آنها مقرراتی آورده و نهادهایی تأسیس کرده است.^۱

از بین این گروه‌ها موضوع مورد بحث صغار و رسیدن آنها به رشد و در نهایت صدور حکم رشد از طرف دادگاه است که به آن می‌پردازیم.

مفهوم صغیر

به کسی صغیر گفته می‌شود که نابالغ باشد و به سن بلوغ نرسیده باشد. در زبان عامیانه به صغیر، طفل، کودک و بچه می‌گویند.

اقسام صغیر

صغیر غیر ممیز: شخص نابالغی که دارای قوه درک و تمیز نیست، زشت را از زیبا و سود را از زیان تشخیص نمی‌دهد.

صغیر ممیز: صغیری است که دارای قوه درک و تمیز نسبی است، با اینکه به سن بلوغ نرسیده، زشت را از زیبا و سود را از زیان باز می‌شناسد. که بسته به فرد حدود ۶-۷ سالگی صغیر ممیز می‌شود.

در صورتی که شک کنیم صغیر ممیز شده است یا نه، هنوز باید او را غیر ممیز بدانیم و کسی که می‌خواهد معامله او را صحیح بداند باید اثبات کند که او ممیز شده است.

^۱ - صفایی، حسین - قاسمزاده، مرتضی - حقوق مدنی، اشخاص و محجورین - چاپ چهاردهم - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۱۳۸۰ - صفحه ۱۹۷

تعریف رشد

برای خروج صغیر از حجر، رسیدن به سن بلوغ کافی نیست، بلکه رشد نیز شرط است. صغیر تا زمانی که دو صفت بلوغ و رشد برای او حاصل نشده محجور است. منظور از رشد این است که شخص توانایی اداره اموالش را به نحو عقلایی داشته باشد و از مال خود بهره‌برداری درست داشته باشد.^۲

در قانون آمده است: هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود، مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است. و در ادامه گفته است: اموال صغیری را که بالغ شده است، در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.^۳ در نتیجه با توجه به متن قانون این‌طور برداشت می‌شود که صغیر به محض رسیدن به سن بلوغ در امور غیرمالی مانند طلاق، شهادت دادن در امور غیرمالی و ... از حجر خارج می‌شود و می‌تواند مستقلاً عمل نماید؛ اما در امور مالی رفع حجر از صغیر نیاز به احراز رشد دارد.^۴

در عمل دادگاهها، دفاتر اسناد رسمی، بانکها و دیگر موسسات دولتی یا خصوصی، بنابر عادت و سنت قدیم (قانون قبلی که اکنون نسخ شده است) سن ۱۸ سال را نشانه رشد به شمار می‌آورند.^۵

در مورد افراد غیربالغ نیازی به صدور حکم حجر از طرف دادگاه نیست و افراد زیر ۱۸ سال چنانچه حکم رشد در اختیار داشته باشند رشید محسوب می‌شوند. در غیر اینصورت در مواردی که بخواهند در امور مالی خویش تصرف نمایند در صورت دارا بودن ولی خاص، امور آنها به ولی مربوط است و در صورت فقدان ولی خاص از آنها پرسیده می‌شود ادعای رشد دارند یا خیر، در صورت عدم ادعای رشد با آنها مانند صغار رفتار می‌شود و اگر مدعی رشد باشند جهت بررسی موضوع به دادگاه معرفی می‌شوند. این اقدامات وظیفه اداره سرپرستی دادگستری خواهد بود. حال اگر چنین شخصی گواهی رشد دریافت نمود رشید است و اگر موفق به دریافت گواهی رشد از دادگاه نشد با او مانند صغار رفتار خواهد شد.^۶

سوال: دختر ۱۶ ساله‌ای که قبلاً ازدواج کرده است با رضایت شوهرش قصد طلاق توافقی از دادگاه را دارد با توجه به اینکه سن زوجه کمتر از ۱۸ سال است آیا وی می‌تواند کلیه حقوق مالی خود را از قبیل مهریه، نفقه و غیره بذل نماید؟

پاسخ: چون در هر حال بذل حقوق مالی مستلزم داشتن اهلیت قانونی یعنی رسیدن به سن رشد است در صورتی که زوجه بخواهد با بذل کلیه حقوق مالی گواهی عدم امکان سازش دریافت نماید چنین دعوی به لحاظ نداشتن اهلیت قانونی قابلیت استماع نداشته و دادگاه باید قرار عدم استماع دعوی را صادر نماید. البته زوجه چنانچه دارای قیم قانونی بوده و یا حکم رشد وی صادر شود می‌تواند با زوج تقاضای طلاق توافقی نماید.^۷

^۲ - همان، صفحه ۲۴۶

^۳ - ۱۲۱۰ قانون مدنی- همان : صفحه ۲۴۰

^۴ - همان: صفحه ۲۴۴

^۵ - همان : صفحه ۲۴۵

^۶ - حبیبی تبار، جواد- گام به گام با امور حسبی - چاپ اول - نشر خرم ۱۳۸۰ - صفحه ۱۲۳

^۷ - تدوین و گردآوری دفتر بررسی و تهیه و تدوین متون آموزشی؛ معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه - مجموعه نشست‌های قضایی (۱۳) - مسایل قانون مدنی (۳) - قم : نشر قضا ۱۳۸۳ - صفحه ۲۱۵

سوال: دعوای حکم رشد باید به طرفیت چه کسی مطرح شود؟

پاسخ: در صورت وجود ولی به طرفیت ولی و در صورت نبودن ولی به طرفیت قیم و در صورتی که نه ولی و نه قیم باشد به طرفیت مدعی العموم.^۸

نمونه‌ای از دادنامه‌های مرتبط با موضوع

۲ - نمونه رد درخواست گواهی رشد با پیشنهاد اداره سرپرستی
رأی دادگاه

درخصوص پیشنهاد شماره..... مورخه..... اداره سرپرستی دادگستری..... مبنی بر صدور گواهی رشد آقایان..... فرزند..... دارای شناسنامه شماره..... صادره..... متولد..... با توجه به جامع محتویات پرونده از جمله مصاحبه حضوری دادگاه با مشارالیه و با توجه به نظریه پزشکی قانونی به شماره..... گسه اجمالاً رشد وی را محرز ندانسته (و یا با توجه به اینکه مشارالیه هنوز به سن بلوغ موضوع ماده ۱۲۱ قانون مدنی نرسیده است) لذا رشد وی بنظر دادگاه محرز نیست دادگاه با توجه به مفهوم ماده ۱۲۱ قانون مدنی با پیشنهاد مزبور مخالفت و درخواست یاد شده را مردود اعلام می‌دارد این رأی به استناد ماده ۶۶ قانون امور حسبی و مواد ۳۳۰ و ۳۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاه تجدید نظر مرکز استان..... می‌باشد.

رئیس شعبه..... دادگاه عمومی.....

حال اگر چنانچه درخواست صدور گواهی رشد از سوی خود ذینفع مطرح شده باشد در دو نمونه حکم قبلی در صدور رأی بجای در خصوص پیشنهاد شماره..... مورخه..... اداره سرپرستی دادگستری نوشته می‌شود درخصوص درخواست مورخه آقایان..... فرزند..... و ادامه رأی حسب مورد متفاوت نخواهد بود.

آنچه باید تذکر داد این است که آیا صغاریکه به سن ۱۸ سال تمام می‌رسند خود به خود و بدون مراجعه به دادگاه از تحت قیمومت خارج می‌گردند.

نمونه‌هایی از صدور گواهی رشد و متفرعات آن
۱ - نمونه گواهی رشد با پیشنهاد اداره سرپرستی
رأی دادگاه

درخصوص پیشنهاد شماره..... مورخه..... ادار سرپرستی دادگستری شهرستان..... مبنی بر صدور گواهی رشد آقایان..... فرزند..... دارای شناسنامه شماره..... صادره..... متولد / / ۱۳ با توجه به جامع محتویات پرونده از جمله مصاحبه حضوری دادگاه با مشارالیه با توجه به نظریه پزشکی قانونی به شماره..... رشد فکری بدون ضرورت جلب نظریه پزشکی قانونی نامبرده از نظر این دادگاه محرز است لذا دادگاه به استناد مواد ۱۱۹۳ و ۱۲۵۳ و ۱۲۵۴ قانون مدنی و ماده ۲۰۲ قانون امور حسبی با پیشنهاد مزبور موافقت می‌نماید و گواهی رشد مشارالیه صادر و اعلام می‌گردد این رأی به استناد ماده ۶۶ قانون امور حسبی و مواد ۳۳۰ و ۳۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاه تجدید نظر مرکز استان..... می‌باشد.

رئیس شعبه..... دادگاه عمومی.....

هزینه دادرسی

هزینه دادرسی در دعوای غیرمالی پنجاه هزار ریال (۵۰/۰۰۰ ریال) می‌باشد.

هزینه اجرای احکام دعوای غیرمالی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال به تشخیص دادگاه است.

نام محقق: زهرالسادات قرشی